

بررسی رویکردهای سبک‌شناسی در تذکره الشعرا دولتشاه سمرقندی

شیرین طهماسبی^۱، شراره الهامی^۲

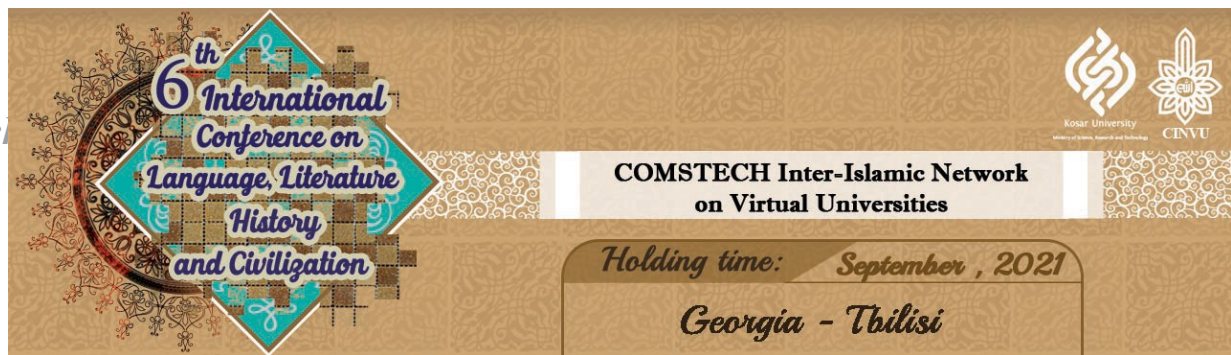
۱- دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

۲- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

چکیده

بررسی سبک و سبک‌شناسی شاعران و نویسندگان از دیرباز مورد توجه محققان و پژوهشگران بوده است. دولتشاه سمرقندی در تذکره الشعرا که کتابی در شرح حال و زندگانی شاعران است. با طبقه‌بندی و ذکر احوال و اشعار شاعران، سبک‌شناسی را در تذکره خود به شیوه‌های متفاوت نشان داده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی بر آن است که در این مقاله، رویکردهای سبکی تذکره الشعرا مورد بررسی قرار داده شود. دولتشاه سمرقندی با رویکردهای سنتی که بعدها نیز در دیگر تذکرها توالی پیدا میکند. به تألیف تذکره پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که از میان رویکردهای مختلف بیشتر به رویکردهای سبک‌شناسی (شمی، عاطفی، بیانی) توجه کرده است. و با ستودن شاعران بزرگ و گزینش زیباترین سروده‌های آنها و گذشتن از کنار شاعران متوسط و ضعیف، رویکرد سبکی خود را نسبت به شعر و شاعران آشکار می‌کند

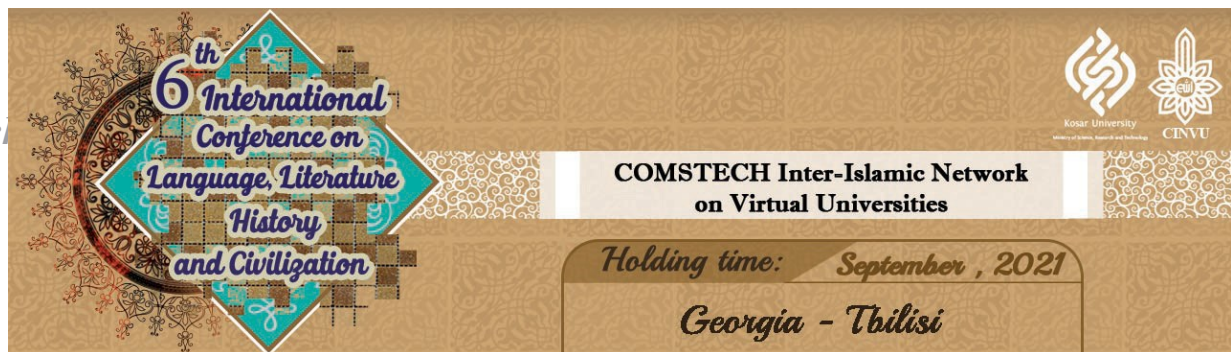
واژگان کلیدی: سبک‌شناسی، رویکرد سنتی، تذکره الشعرا، دولتشاه سمرقندی



۱. مقدمه

سبک در فرهنگ و ادب فارسی تعاریف بسیاری را شامل می‌شود، چرا که سبک روشی است که شاعر و نویسنده برای بیان اهداف خود انتخاب میکند. در واقع سبک شیوه‌ی گفتن است و شاعر و نویسنده به واسطه سبک اثر خود را ویژه و خاص میکند. در اصطلاح ادبیات «سبک عبارت است از روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله کلمات و انتخاب الفاظ و طرز بیان، سبک تکرار و ویژگی یک اثر است» (شمیسا، ۱۳۸۶) که به صورت کم و بیش یکنواخت و متکرری دیده می‌شوند در شعر شاعران و حتی تذکره‌های ادبی گذشته به تعریف روشنی از سبک بر نمی‌خوریم ((معمولاً شاعران برای بیان ویژگی‌های شعر خود یا هنگام اشاره به شعر شاعران دیگر که بیشتر در مقام مقایسه مقام و رتبه شعر و شاعری خود با هم عصران و پیشینیان بوده از اصطلاحات چندی: نظیر طرز، شیوه سخن و طریقه بهره می‌جسته اند)) (دریاگشت، ۱۳۷۱) که همگی مفهومی معادل با سبک دارند. در کتاب‌های بلاغی که بیشتر به نقد فنی آثار ادبی نظر دارد، کمتر به ویژگی‌های سبکی شاعران اشاره شده است؛ با این اوصاف از این اشارات اندک نیز می‌توان به بررسی شیوه‌های شاعران و نگاه سبک‌شناسانه نویسندگان آن پی برد؛ مثلاً در ترجمان البلاغه نخستین اثر موجود به زبان فارسی در زمینه بلاغت در چند جا درباره‌ی شعر شاعران و چگونگی شعر آنان نکاتی را یادآور شده است (رادویانی، ۱۳۶۲: ۶۸، ۶۷). در سایر کتب بدیعی نیز اشاراتی هست؛ اما بیشتر این داوری‌ها در باب اهمیت صنایع بدیعی یا نقد آنها است. در بین پژوهش‌های معاصران ملک‌الشعرای بهار نخستین کسی است که با تألیف کتاب سه جلدی «سبک‌شناسی» به مفهوم دقیق کلمه از سبک در ادبیات و نثر فارسی بحث کرده و سبک‌شناسی را در ایران پایه‌گذاری کرده است. پس از وی تنی چند از محققان و زبان‌شناسان با تألیف آثاری مستقل و یا نوشتن مقاله‌هایی به تحقیقات سبک‌شناسی کمک‌شایانی کرده‌اند. همچنین در سبک‌شناسی مجموعه عواملی وجود دارد که باعث ایجاد سبک می‌شود. یکی از آن‌ها «آرزو‌ها و توقعات و مشکلات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی آنان از جمله مسائلی است که شاعر یا هنرمند بدان می‌پردازد و از طریق بیان این امور میان شاعر و خوانندگان هم‌مدلی ایجاد می‌گردد»

(غلامرضایی، ۱۳۸۷). بنابراین در هر دوره‌ای متغیرهای متفاوتی مورد توجه شاعر یا مخاطب است که ناگزیر به سبک و سیاق نویسنده و شاعر اثر می‌گذارد. باعث ایجاد تفاوت و گاهی شباهت در سبک‌ها می‌شود. علاوه بر این زبان نویسنده و شاعر یا فکر و اندیشه از عوامل جدایی‌ناپذیری هستند که نویسنده را به سمت خاصی سوق می‌دهند. لذا تذکره دولتشاه سمرقندی از زمره عمده‌ترین تذکره‌های ادب فارسی است که به ذکر احوال شاعران و جمع‌آوری نمونه‌هایی از شعر آن



ها پرداخته است. طبقه بندی و رده بندی که بر شاعران ایجاد کرده است خود حاکی از توجه به سبک و شیوه خاص شاعران بوده که چنین آنها را در جایگاه خاصی قرار داده است.

۱-۱. ضرورت تحقیق

سبک شناسی و رویکردهای متفاوت آن نوعی تحلیل ادبی هستند که برجسته ترین اطلاعات مربوط به نویسندگان و شاعران را در اختیار پژوهشگران قرار می دهد. با سبک شناسی و تحلیل های آن ها می توان متون، آثار ادبی و دوره ها را طبقه بندی و درجه تفاوت آنها را تعیین کرد.. دانش سبک شناسی برای پژوهشگر زمینه ای را فراهم می کند تا بتواند به شیوه ای ارزشمند به لایه های گوناگون منظومه فکری نویسنده راه یابد. بدین سبب این تحقیق تذکره دولتشاه سمرقندی را مورد بررسی قرار خواهد داد و کوشش خواهد شد که در آن به مشخص کردن بیان نوع رویکرد سبک شناسی دولتشاه سمرقندی نسبت به شعر و شاعری و بیان رویکرد های سنتی نهفته توجه شود.

۱-۲. روش تحقیق

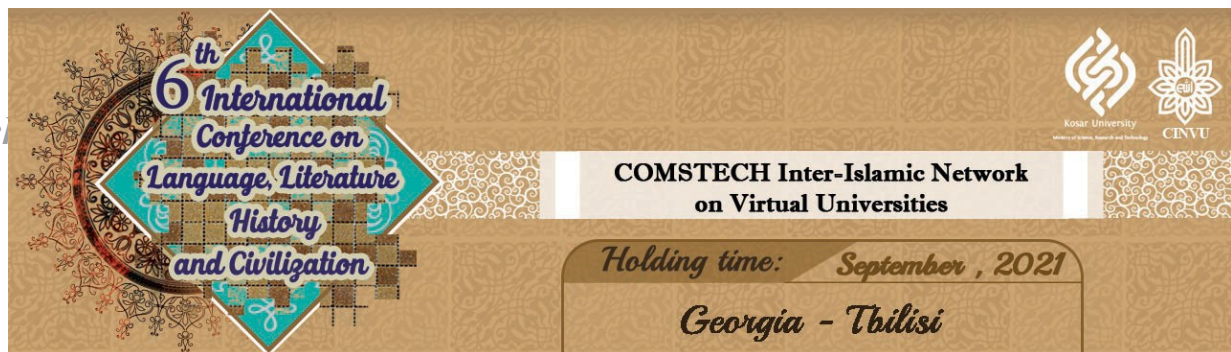
هم چون اکثر موضوع های مربوط به ادبیات، از طریق مطالعه اثر که مهم ترین منبع است و مطالعه منابع مورد نظر و گردآوری اطلاعات به روش توصیفی-تحلیلی به پژوهش پرداخته است.

۱-۳. سوال تحقیق

کدام یک از رویکردهای سبک شناسی در تذکره الشعرا نمود پیدا کرده است؟
مهم ترین شاخصه رویکرد سبکی تذکره و شعرا کدام است؟

۱-۴. پیشینه تحقیق

در ارتباط با بررسی رویکردهای سبک شناسی در تذکره الشعرا تاکنون پژوهشی انجام نشده است. اما به خاطر جایگاه شاخص تذکره الشعرا دولتشاه سمرقندی در ادبیات فارسی از زوایای مختلفی به این اثر پرداخته اند. از جمله: مقاله «اشتباهات تاریخی و تذکره الشعرا دولتشاه سمرقندی» از سید محمد باقر کمال الدین و مریم امیری فرد (۱۳۹۵)، در آن بررسی می شود که اشتباهات تاریخی دولتشاه ناشی از تکاسل و عدم تحقیق و تتبع و آشنا نشدن به کتب قدیم، خاصه کتب عربی بوده است و نویسندگان بعد از دولتشاه به صد ره بدتر و بیشتر اشتباهات تاریخی و جعلیات را در کتاب هایشان ذکر کرده اند. مقاله: «دورنمایی از وقایع قرن نهم هجری از دیدگاه دولتشاه سمرقندی در کتاب «تذکره الشعرا» با تاکید بر نقش علما» از میلاد پرنیانی، منیژه کاظمی را شد، ولی دین پرست و منیژه صدیقی (۱۳۹۷)، تاکید به این نکته دارد که دولت شاه به این دلیل که اهل قلم، اهل دولت و اهل دل بوده است، نسبت به کمبودهای این عرصه ها شناخت کامل داشته و گاهی با

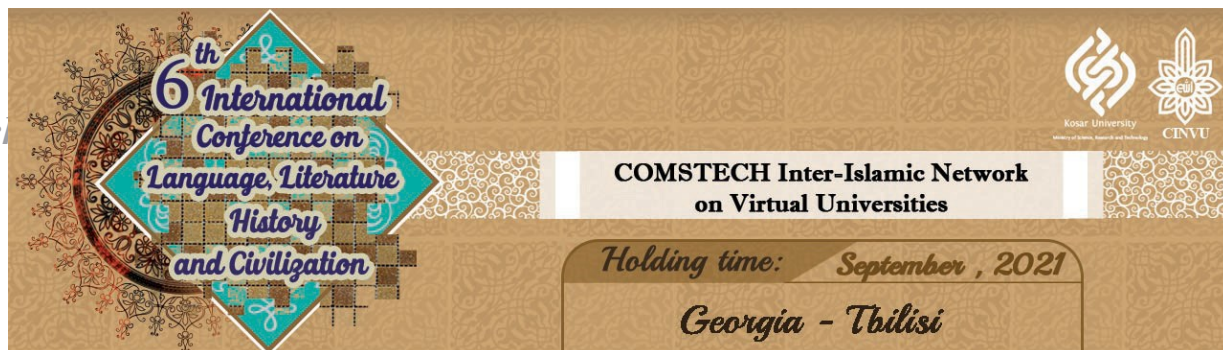


اغماض و گاهی با شهامت به آنها پرداخته و در مورد علما به همین شیوه مسائلی را مطرح می کند که در شناخت دوره راه گشا است. مقاله «روایت‌های شفاهی در تذکر آن شعرای دولتشاه سمرقندی و کارکردهای مثبت آن» از قهرمان شیری و مینو محمدی (۱۳۹۷)، ذکر شده است که تذکره دولتشاه، علاوه بر توضیح زندگی شاعران که اصلی ترین وظیفه این گونه کتاب هاست، یک گزارش به نسبت اجمالی از اغلب سلسله های حکومتی و حکومت های محلی در مناطق مختلف ایران است و در همان حال سیر زیبایی شناختی هنر شاعرانگی در ادبیات گذشته و فلسفه جامعه‌شناختی کیفیت تکمیل افسانه ها در زندگی شاعران را نیز در برابر دید مخاطب قرار داده است. مقاله «شیوه نقد در تذکره الشعرا دولتشاه سمرقندی» از تورج عقدایی (۱۳۹۴)، بررسی می شود که دولتشاه به مثابه نماینده ناقدان عصر خود، به گردآوری دیدگاه ها و داوری های مختلف ناقدان پرداخته و در نهایت دایره ی بسته ی نقد کلی و ذوقی ان روزگار را ترسیم کرده است. چرا که تذکره یکی از منابع مهم نقد شعر در روزگار دولتشاه است. همان گونه که مشاهده می شود، در مورد سبک و رویکردهای سبک شناسی تذکره الشعرا پژوهشی صورت نگرفته است. بنابراین نوآوری این مقاله در این است که به بررسی رویکردهای سبک شناسی تذکره الشعرا می پردازد.

2. بحث اصلی

دولتشاه سمرقندی، فرزند علاءالدوله بختی شاه غازی اسفراینی، (دولتشاه سمرقندی، ۱۳۸۲) تذکره نویس و شاعر، متخصص به علایی، از نجیب زادگان خراسان و از ملازمان امیرعلیشیر نوایی و سلطان حسین بایقرا بود. وی مردی خوش تبع و درویش صفت بود. چون به مسلک درویشان عشق می ورزید، از پیوستن به دستگاه های پادشاهی و آیین خاندانش کناره گرفت و به فقر و قناعت و کشاورزی روزگار گذراند، با این حال در طول عمرش از کسب فضائل و کمالات قافل نماند. چندی هم که «به دربار سلطان حسین بایقران رفت و آمد کرد و میان وی به امیرعلیشیر نوایی وزیر دانش پرور آن پادشاه روابط صمیمانه ای برقرار شد» (صفا، ۱۳۷۳، ج ۳). دوستی میان وی و امیرعلیشیر به جایی رسید که تالیف تذکره مشهورش را در سال ۸۹۹ق / ۱۴۸۶میلادی به نام آن وزیر به پایان برد.

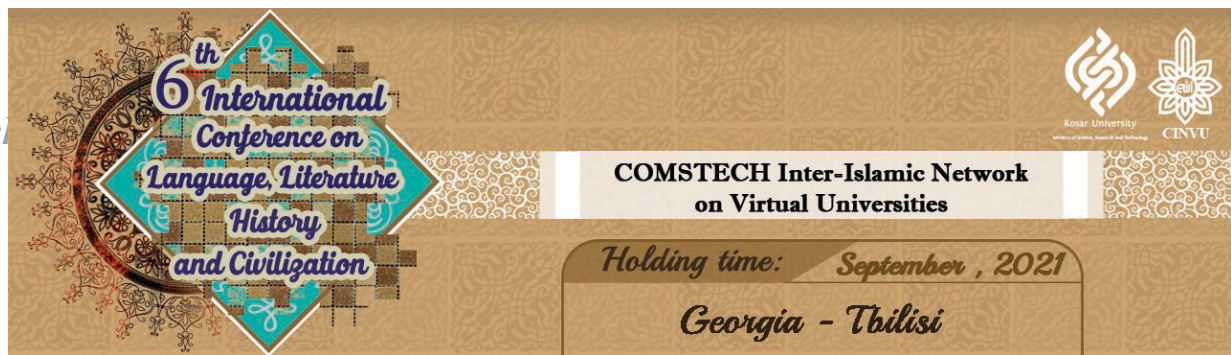
تذکره الشهدا پس از لباب الالباب محمد عوفی که در قرن هفتم هجری تالیف یافته است دومین کتاب فارسی در زمینه زندگینامه شاعران از آغاز شعر فارسی تا روزگار مولف است. دولتشاه درباب احوال خود می گوید: «من بنده روزگار شباب و ایام فضل و اکتساب را در جهالت و بطالت به سر بردم و دوسه روزه زندگانی که سرمایه سعادت جاودانیست بمالایعی تلف کردم» (تذکره الشعرا، ۱۳۸۲). و «پس از پنجاه سال در آخر مصلحت آن دانستند که پیش از پای مرکب حیات سنگلاخ اجل مجروه شوم دست به کاری زنم که غصه سرآید» (تذکره الشعرا، ۱۳۸۲). بنابراین «از تواریخ



و دواوین استادان گذشته و اشعار متقدمی و متاخرین و از رسائل و کتب: مقالات و حالات شعرای بزرگ بر مشهور هستند جمع کردم و از اهد اسلام تا به حال شمه ای از تاریخ سلاطین بزرگ که شعرای نامدار به روزگار آن طایفه بوده اند ذکر کرده ام». (همان) ضمناً در بیان زندگینامه شاعران به منابعی چون «چهار مقاله نظامی عروضی و تاریخ گزیده حمدالله مستوفی» (همان)، اشاره کرده با این وجود خود را نخستین موالف مقامات و احوال شاعران دانسته و ظاهراً از تذکره باب الالباب محمد عوفی نیز آگاهی نداشته، زیرا از آن سخن به میان نیاورده است. دولت‌شاه در آیین کتاب و تعیین طبقات چنین بیان می‌کند: «چون فراهم کردن مقامات و حالات شعرا به دلیل تغییر لغات به مرور زمان سبب می‌شود که نام شعرا پوشیده شود اما من جمعی را انتخاب کردم که همگی فاضل و در این علم ماهر بودن و نزد سلاطین مقبول، کتاب را به طریق افلاک به هفت طبقه تقسیم نمودم و در هر طبقه ذکر بیست فاضل تخمیناً مسطور باشد» (تذکره الشعراء، ۱۳۸۲). در این ضمن به احوال پادشاهان حامی به شعر و رویدادهای تاریخی نیز اشاره شده است. هرچند که با عباراتی کلی و تکراری درباب اغلب شاعران و شعر آنان مطلب و نکاتی آمده است، اما به جهت توجه خاص و ویژه‌ای که به شعر و شاعری داشته است به گفته ملک شعرای بهار «از بهترین کتب ادبی از عصر تیموری است» (بهار، ۱۳۹۳: ج ۳). که به اهتمام فراوان مورد توجه قرار گرفته است. از این روی توجه مولف به شعر و شاعری جنبه‌های سبک‌شناسی در تذکره را به وجود آورده است. بیش‌ترین تحلیل‌های سبک‌شناسی آثار شاعران در سه سطح زبانی، ادبی و فکری انجام می‌گیرد و سبک‌شناسی بر اساس داده‌های آماری و ویژگی‌های برجسته اثر به تبیین سبک‌نوشتاری نویسنده یا شاعر می‌پردازد. گروهی دیگر نیز به دنبال اثبات نظریه‌های سبک‌شناسی در آثار شاعران و نویسندگان هستند. در این پژوهش هدف این است که پس از مطالعه و بررسی تذکره الشعراء، رویکردهای سبک‌شناسی که منجر به بیان ویژگی شعر شاعران می‌شود را بیان کنیم. محققان و پژوهشگران رویکرد‌های زیادی را در سبک‌شناسی معرفی کردند و از میان آنها چهار رویکرد: «سنتی، زبان‌شناسانه، آماری فرهنگی-اجتماعی» از همه مشهورتر هستند (فتوحی، ۱۳۹۸). در تذکره الشعراء، غلبه با رویکردهای سبکی وی اثر بررسی و تحلیل می‌شود.

۱-۲. رویکرد تأثیری و سنتی

شامل سبک‌شناسی شمی، عاطفی، بیانی، تکوینی، تفسیری، ارزشی و آموزشی می‌شود رویکردهای سنتی «به مجموعه‌ای از روش‌های سبک‌شناسی اطلاق می‌شود که در آن‌ها عامل ذوق و احساس، دریافت شهودی و شمّ شخصی دخالت دارد و سبک‌شناسی کمتر به جانب عینیت‌گرایی و روش‌های اثباتی یا بهره‌گیری از مبانی و روش‌های دیگر رشته‌ها می‌گراید» (فتوحی، ۱۳۹۸). سبک‌شناسی شمی یا ذوقی شاخصه برجسته در تذکره دولت‌شاه سمرقندی است. در سبک‌شناسی شمی



دو رویکرد مورد توجه قرار می گیرد: «نخست؛ کلیه ی مقولات زبانی و بلاغی است که از قبل برای بررسی سبک متن آماده شده است و دوم؛ شناسایی مشخصه های برجسته از طریق خواندن اثر و انس با آن است که با ذوق ادبی و شمّ زبانی به دست می آید» (فتوحی، ۱۳۹۸). این رویکرد از طریق آشنایی با متن و مطالعه مکرر آن حاصل می شود. دولتشاه در این رویکرد خود را ملزم به پاسخ گویی چگونگی دستیابی به مشخصه های سبکی نمی داند از روی ذوق و سلیقه خود به آن می پردازد و زبان به کار رفته در آنها را خاص می داند. دولتشاه در تخصیص شعرا چنین می گوید: «مشاطگان عرایس افکار و ناقدان نفاس اسرار شاعران نامدارند که غوآص طبع کریم و سباح ذهن مستقیم ایشان درلمحه از لجه لامکان هزاران درّ معانی بساحل زندگانی رسانند بلکه بر فرق اهل معانی فشانند. بتحقیق شاهباز معنی مقید دام این جمع و توسن تند نکته را این فرق است، قال السنّایی فی هذا المعانی

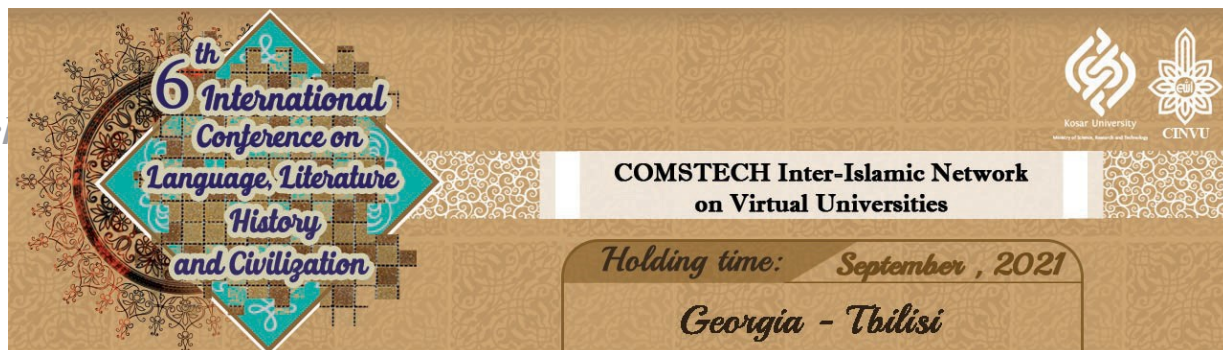
شاعران را از شمار راویان مشمر که هست
جای عیسی آسمان و جای طوطی شاخسار»

(تذکره الشعرا، ۱۳۸۲)

دولتشاه شاعران را دارای طبع کریم و ذوق مستقیم می داند که اهل معنی از آنها بهره می جویند. جایگاه خاصی چون آسمان را برای آنان فرض می کند که نشان از ذوق و شمّ و احساس خاص دولتشاه است. نمونه هایی از برداشت ذوقی و احساسی: «مولانا بساطی سمرقندی از شاعران خوشگوی هست و غزل را نازک می گوید» (تذکره الشعرا، ۱۳۸۲)، «مولانا قنبری نیشابوری در شاعری هدایتی و بخششی یافته بود» (همان: ۴۶۵).

۲-۲. سبک شناسی شمّی

در این روش بررسی کمیّت ها و استدلال روشهای آماری جایگاهی ندارد. طرز سبک شناسی اکثر نویسندگان و شاعران فارسی گوی درباره سخن، سبک و طرز بیشتر شمّی و احساسی بوده است. دولتشاه سمرقندی هم به همانند اکثر نویسندگان و شاعران ادبیات فارسی از این قضیه مستثنی نبوده و برذوق ادبی و شمّ زبانی رسیده است و می تواند در مورد خوب و بد بودن آثار شاعران نظر بدهد. چنان که گوید: «انصاف آن است که مثل قصائد خاقانی را توان گرفت به اندکی کم و زیاد و مثل غزلیات شیخ بزرگوار سعدی غزل های امیر خسرو خواهد بود. اما مثل اوصاف و سخن گذاری فردوسی کدام فاضل شعر گوید». (تذکره الشعرا، ۱۳۸۲) طبقه بندی که دولتشاه در آغاز کتاب خود انجام می دهد، به خوبی گواه است شاعرانی را که در میان هنرمندان و عموم مردم اهمیّت دارد نام می برد. به این سبب است که معمولاً اسم هر کس را که در زمره شاعران ذکر نمی کند و تنها از شاعران بزرگ نام می برد. به عنوان نمونه در مورد رشید الدین و طوطی می گوید:



« در روزگار خود استاد فرقه شعرا و فصحا بوده و همواره شعرای اطراف از نزدیک و دور قصد ملازمت او می نموده به استفاده علم شعر و علوم دیگر مشغول بوده‌اند. او را برای طور شاعری مردی فصیح بوده و به سخن شعرای اطراف ایراد می گرفت» (همان). و در مورد خواجه کرمانی می گوید: «سخن او را فاضلان و بزرگان در فصاحت و بلاغت بی نظیر می دانند» (همان). لذا در کل تذکره سعی می کند شاعری ضعیف و حتی شعری ناپسند مطرح نشود. مولف به مدد سبک شناسی شمی، تفاوت ها و سبک های شاعران را می فهمد و قادر است مشخصه های کلی و عمومی سبک شاعر یا نویسنده را توصیف کند. «بعضی را مدعا آن است که سخن اثر اخسیکتی به سخن خاقانی و انوری فضل دارد و بعضی این دعوی را مسلم نمی داند، انصاف آن است که هر یکی از این سه فاضل را شیوه ایست که دیگر را نیست. اثر را سخن دانشمندانه می گوید و انوری سلیقه سخن را خوبتر رعایت می کند و خاقانی از طمطراق لفظ به همه فضل دارد» (همان، تذکره الشعرا، ۱۳۸۲). و با نظر ذوقی و احساسی به سبک آن ها پرداخته است و به طور کلی به بیان ویژگی های آن ها توجه کرده است.

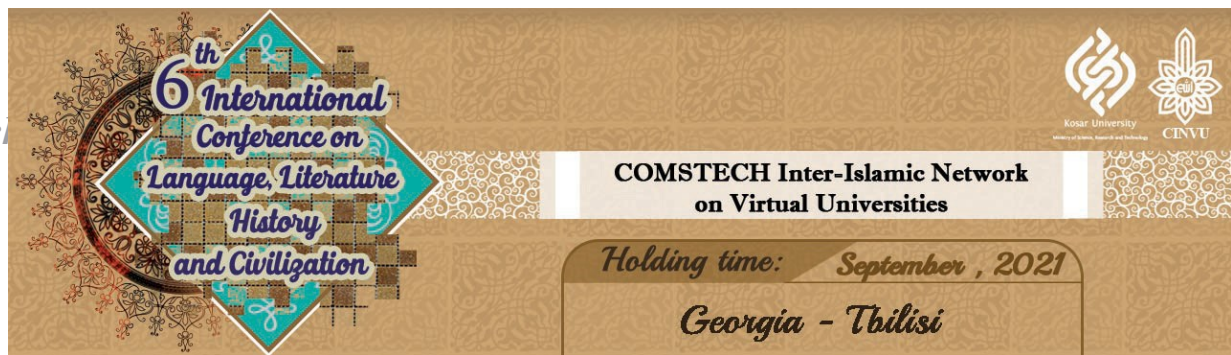
۲-۳. سبک شناسی عاطفی

در این روش سبک شناسی، خواننده به عنوان عنصری فعال در درک اثر ادبی و در خلق اثر به وسیله نویسنده اهمیت دارد. این سبک با نام نظریه پرداز آمریکایی استنلی فیش شناخته شده است. طرفداران سبک شناسی عاطفی یا تائری، به نسبی گرایی مطلق در تفسیر قائل نیستند. هدف اصلی بررسی نقش خواننده است. «هر خواننده ای به یک جامعه تفسیری و گفتمان و یا ایدئولوژی خاصی تعلق خاطر دارد و طبیعی است که ارزش، باورها و قصاید حاکم بر آن جامعه، به تفسیر وی تاثیر دارد» (فتوحی: ۱۳۹۳). در تذکره الشعرا پادشاهان ادب دوست به حمایت از شعر و شاعری می پردازند. «سلطان محمد حکم می کند که در اطراف ممالک هرجا شاعری و خوشگویی باشد سخن خود را به استاد عنصری عرضه دارد تا استاد غث و سمین آن را منقح ساخت و به عرض رساند» (همان). به وضوح بیان می شود که اثر باید مورد طبع خواننده قرار گیرد و با آراستگی همراه باشد و مناسب احوال مخاطب به عرض رسانده شود. «انوری در مجلس وصف سلطان سنجر قصیده ای گفت: مطلعش این است:

گر دل و دست به هر کاری نباشد

دل و دست خدایگان باشد

سلطان بغایت سخن شناس بود و طرز کلام او را دانست که دانشمندانه و متین است» (تذکره الشعرا، ۱۳۸۲). لذا شاعر اصل را به جنبه تاثیر گذاری شعر قرار داده است و به مقتضای مخاطب و مکان طرزی نو را خلق کرده است. از دیگر



عواملی که نویسنده آن را ترجیح مخاطب بر اثر می داند، پرهیز از عیوبی است که کلام را سخت خسته کننده می کند. در مورد امیرشاهی چنین می گوید: «فضلا متفق اند که سوز حشر و لطافت حسن و تازگی های کمال و صفای سخن حافظ در کلام امیرشاهی جمع است و همین لطافت او را کفایت است که در ایجاز و اختصار کوشیده خیر الکلام ما قَلَّ وَ دَلَّ اختصار و ایجاز را از نکاتی می داند که رعایت آن کلام را لطافت و زیبایی می بخشد و همین امر خواننده را مشتاق به بهره‌بری بیشتری از آثار ادبی می داند. در خاتمه تذکره، ذکر می کند که پادشاهان به ترتیب اهالی فضائل اقبال می نمایند و شیخ نظامی می فرماید:

به دانش شر باشد آموزگار

همه اهل دانش کند روزگار

فائده کلمات و به بدیهه عقل ثابت و درست که طبایع سلاطین بهره شغل که مشغول گردد، اهالی آن روزگار تبع نمایند» (ذکره الشعراء، ۱۳۸۲). در واقع پادشاهان، مخاطبان هستند که شاعران را به شعر گفتن تشویق می کنند. آنان نیز در پی ارزشها و باورها و عقاید حاکم بر جامعه شعر می سرایند. مشاهده گردید که دولت‌شاه سمرقندی در این رویکرد سنتی (عاطفی) جنبه‌های خواننده محور بودن شعر را مد نظر داشته است.

۴-۲. سبک‌شناسی بیانی

گونه‌ای دیگر سبک‌شناسی سنتی است که در تذکره الشعراء مورد توجه قرار گرفته است. «این نظام بیانی، قلمرویی از زبان است که کاربران زبان به کار می گیرند تا اندیشه‌های عاطفی، احساسی و انتزاعی خود را به شیوه های تجسمی و تفسیری و عناصری هم چون زبان استعاری، تمهیدات بلاغی و ساخت هایی که بار عاطفی پیش تری به دوش دارند» (فتوحی، ۱۳۹۸: ۱۳۹۸). دولت‌شاه در کتاب خود، فصاحت و بلاغت را ارزش ها والا می نهد و می گوید: «فصاحت و بلاغت حق اعراب و اهل عجم در این قسم متابع عربند بتخصیص در علم بدیع شعر که اعراب را در این مهارتی کامل است» (تذکره الشعراء، ۱۳۸۲). در جای دیگر نیز در مورد خصوصیات زبان منوچهری می گوید: «شاعری ملایم گوی، متین سخن است و اشعار او مقبول طبع فصلاست و دیوان او در ایران زمین معروف است. در قصیده عنصری را مدح می کند و می گوید:

فضل او چون شعر او هم نازنین و هم حس

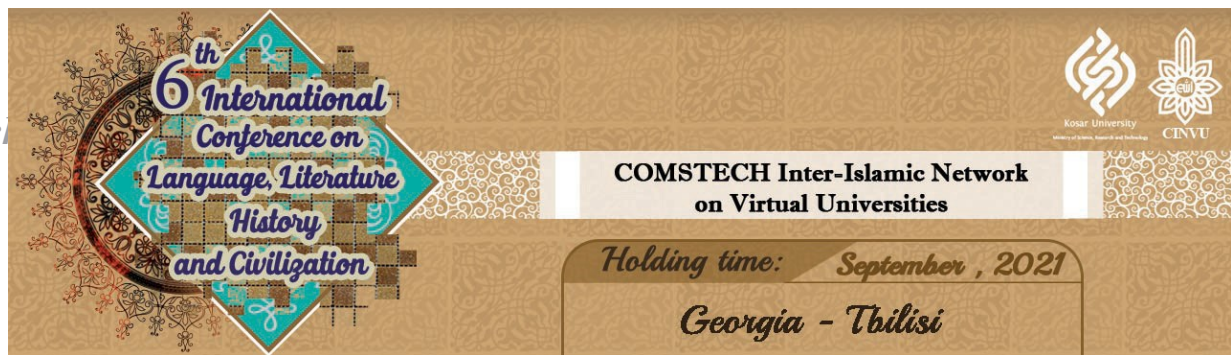
این حکیمان دگر یک فن و بسیار فن»

شعر تو چون فضل او هم بی تکلف هم بدیع

زین فزونتر شاعری دعوی بود لاف و گزاف

(تذکره

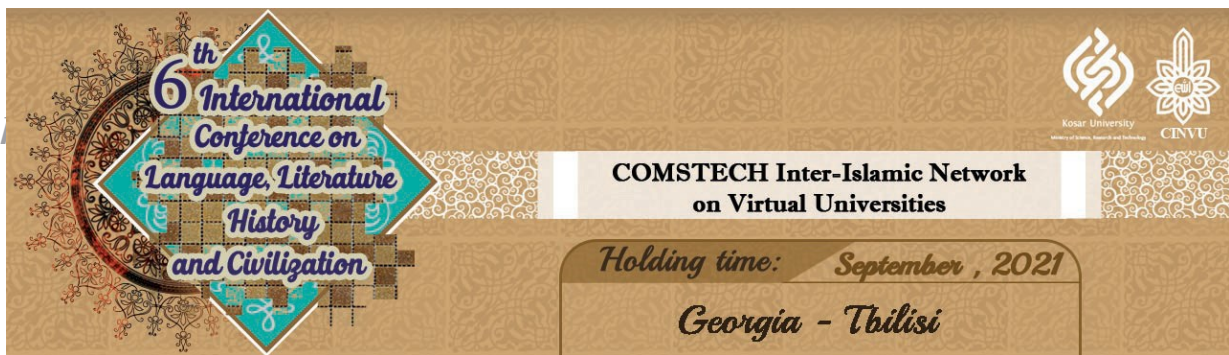
الشعراء، ۱۳۸۲)



سبک‌شناسی بیانی بر این باور است که «هنرمندان زبان را برای بیان احساسات و عواطف درونی خویش به کار می‌گیرند. بنابراین سبک مضمونی است مانند «زبان شخصی» به این معنی که هر کاربر زبان، پاره‌ای عادت‌های زبان خاصی دارد که تنها شیوه‌ی بیان او را نشان‌دهنده می‌کند بلکه شخصیت او را نیز آشکار می‌کند» (همان). مولانا قنبری نیشابوری در شاعری هدایتی و جنبشی یافته بود، قصاید را محکم و پر معانی می‌گوید و بعضی افاضل در کار او متحیر بودند و او را در جواب قصاید اکابر امتحان می‌کردند و سخن او را محکم می‌یافتند» (تذکره الشعرا، ۱۳۸۲: ۴۶۵). لذا در این متن سخن شاعر را که همه افاضل در او متحیر مانده‌اند را گواهی به زبان شخصی او می‌داند که به طور خودش معانی را بیان می‌کند. تسلط به زبان‌های مختلف را هم دلیلی بر توانایی سخنوری نویسنده قلمداد می‌کنند چنان‌که در مورد پندار رازی، مجدالدین دیلمی می‌گوید: «سخن متین و طبعی قادر داشته، به سه زبان سخنوری می‌کند عربی، فارسی و دیلمی (همان)

نتیجه‌گیری

با بررسی تذکره الشعرا دولتشاه سمرقندی، کتابی که در حوزه شعر و شعرا و زندگی آنان نوشته شده است، مشخص شد که رویکرد بارزی که در اثر مشخص می‌شود، از نظر علم سبک‌شناسی، سنتی و تأثیری است. یکی از رویکردهای سنتی و تأثیری، سبک‌شناسی شمی یا ذوقی است که از رهگذر انس با اثر ادبی و مطالعه مکرر آن حاصل می‌شود و سبک‌شناسی خود را ملزم به پاسخگویی به چگونگی و کیفیت دست‌یابی به مشخصه‌های سبکی نمی‌داند و بر مبنای احساس زیبایی‌شناسیک انجام می‌شود. هم‌چنین سبک‌شناسی عاطفی یا تأثیری که رویکردی خواننده‌محور است، یکی از دیگر روش‌های سبک‌شناسی در تذکره الشعرا بود که نمونه‌هایی از آن در پژوهش ذکر شد. سبک‌شناسی بیانی نیز از دیگر رویکردهای سنتی سبک‌شناسی است که در آن کارکرد تخیلی به واسطه بهره‌گیری از عناصر بدیع و بیان نقش اساسی دارند. از این منظر، عناصری هم‌چون زبان استعاری، تمهیدات بداعی و ساخت‌هایی که بار عاطفی بیش‌تری به دوش می‌کشند، قابلیت بیشتری برای انفعال عواطف و احساسات دارند. بر این سبب دانش سبک‌شناسی از جمله ابزارهای مهم در باز نمودن ویژگی‌های یک متن به ویژه متون ادبی، تاریخی به حساب می‌آید.



منابع

- بهار، محمد تقی. (۱۳۹۷). سبک شناسی. تهران: زوآر.
- دریا گشت، محمد رسول. (۱۳۷۱). صائب و سبک هندی در گستره تحقیقات ادبی. تهران: قطره.
- رادویانی، محمد بن عمر. (۱۳۶۲). ترجمان البلاغه. تصحیح احمد آتش. جلد ۲. تهران: اساطیر.
- سمرقندی، دولت‌شاه. (۱۳۸۲). تذکره الشعرا. تصحیح ادوارد براون. چاپ اول. تهران: اساطیر.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۴). کلیات سبک شناسی. تهران: فردوسی.
- صفا، ذبیح الله. (۱۳۷۲). تاریخ ادبیات در ایران. چاپ ۱۰. جلد ۳. تهران: فردوسی.
- غلامرضایی، محمد. (۱۳۸۷). سبک شناسی شعر فارسی از رودکی تا شاملو. تهران: نشر جامی.
- فتوحی رودمعجنی، محمود. (۱۳۹۸). سبک شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها. چاپ چهارم. تهران: مهارت.